

علی طایفی

# نگرش سیستمی در آموزش

## و مشارکت زنان در

### توسعه فرهنگی



#### الف) بحث نظری

#### در جایگاه زنان در آموزش،

#### مشارکت و توسعه

روزافزون علم و تکنولوژی در روابط اجتماعی به گونه‌ای است که مشارکت در آن از سوی چنان ضروری و حیاتی است که در غیراینصورت از کاروان توسعه و پیشرفت انسانی و اجتماعی‌اش محروم خواهیم بود و از سوی دیگر بدون پرورش قابلیت‌های همه‌جانبه افراد و نیروی انسانی به عنوان سرمایه‌های انسانی این مشارکت بهینه و فرین مقصود نبوده و فقط بر کارکردهای منفی سستی و واپس مانده ناسازگار با اوضاع نوین دامن خواهد زده مشارکت، وظیفه همه شهروندان است. چاره مؤثر همه مسائل بین‌المللی، ملی و محلی در حول یک محور برابر، فقط از طریق احقاق حق مشارکت در تمامی فرایندهای تصمیم‌گیری نهفته است. زنان، منشأ ملی راهگشایی هستند که ایده‌ها، تدابیر خلاقانه و درگیری شان در انسجام

زنان که عمدتاً در فراه توسعه از قابلیت‌هایشان چندان استفاده سودمندی نمی‌گردد، در پی ریزی ابعاد انسانی توسعه و پرورش محیط سرشار از سجاایات انسانی، نقش اساسی دارند. آموزش زنان پیش درآمد و لازمه مشارکت همه جانبه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. زنان آموزش دیده با مشارکت در عالم هنر و خلاقیت‌های هنری به فرآوری هنرمندانه ترین محصولات دستی اعم از صنایع، نقاشی و بافتندگی می‌پردازند؛ زنان آموزش دیده در چارچوب خانواده، میزان مولید را کنترل کرده، با نظارت مؤثر و کارآمد خود فرزندان سالم و شایسته‌ای را روانه جامعه کرده و در پی ریزی شخصیت اجتماعی افراد جامعه در قالب افرادی، درستکار، کوشا، کنجکار و خلاق، نقش بسیار مهم و حیاتی ایفا می‌کنند. فرآورده‌های پیچیده و

آموزش و پرورش فرایندی است که در جریان آن، اطلاعات، دانش، معرفت علمی، مهارت، شیوه رفتار خاص و مجموعه میراث فرهنگی به فرد با افراد انتقال داده شود. آموزش نیروی انسانی، کلید راهگشای توسعه و بهره‌مندی از دستاوردهای علمی و تکنولوژیک در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی است. نیروی انسانی

● تحقیقاً ابعاد غیرمادی توسعه، ارتباط کاملی با میزان مشارکت زنان در توسعه دارد.

● پطروس غالی: فقر بدون مشارکت زنان از بین نخواهد رفت؛ زنانی که بیشترین فشار فقر بر دوش آنها است.

● آموزش زنان تأثیر مستقیمی بر کاهش نرخ رشد جمعیت خواهد داشت.

جامعه می‌تواند موجب تغییر کیفیت زندگی عموم شود. امروزه نقش زنان در توسعه چنان اهمیتی یافته است که بدون توجه بدانها این روند، ره به مقصود نبرده و بار خود را به منزل نخواهد رساند. نهضت‌های دفاع از حقوق زنان (Feminism) نیز که در ممالک توسعه‌یافته ظاهر شده‌اند، در پی احقاق حق رای، اشتغال برابر، ارتقای شغلی از مشاغل خدماتی صرف، برابری در حقوق مدنی و مشارکت در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی، هم دوش با مردان می‌باشند. چنین زمینه‌ها و قابلیت‌های زمینه ساز توسعه فراگیر، پویا و پایدار خواهد بود. توسعه‌ای که از ثمرات آن همگان به یکسان بهره خواهند برد. زنان «قلب» توسعه فرهنگی هستند و ابعاد غیرمادی توسعه، بواسطه مشارکت زنان جامعه عمل می‌پوشد.

در ترازنامه توسعه انسانی زنان در ممالک صنعتی آمده «دستمزد زنان هنوز تنها دوسوم دستمزد مردان است، در مورد هر یکصد هزار زن ۱۵ تا ۵۹ ساله، ۵۰ مورد تجاوز به عنف گزارش می‌شود و فقط یک پنجم از نمایندگان مجلس زن هستند. این وضع در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۱، از اینقرار است «نیمی از زنان روستایی بالاتر از ۱۵ سال بی سواد هستند، غالباً حق زنان در تصمیم‌گیری درباره‌یچه دار شدن یا نشدن و زمان آن نادیده گرفته می‌شود، سالانه پانصد هزار زن به سبب بیماری‌های مربوط به بارداری و زایمان، جان خود را از دست می‌دهند، غالباً حق مالکیت، ارث، یا اداره اموال، قانوناً یا در عمل از زنان سلب می‌شود» (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۱).

پطروس غالی در کنفرانس زنان و توسعه در جهان در ۱۹۹۲ گفت «فقر بدون مشارکت زنان از بین نخواهد رفت؛ زنانی که بیشترین فشار فقر بر دوش آنهاست. مری اندرسون می‌گوید: «با دستیابی زنان به منابع توسعه، بهره‌وری توسعه بالا خواهد رفت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای، باعث کارایی بیشتر آنها شده و آموزش زنان سبب تولد بچه‌های سالمتر گردیده، نرخ رشد جمعیت را کاهش داده و استانداردهای تولید را افزایش خواهد داد.» بنا به گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ در اکثر جوامع زنان از دستیابی به آموزش و پرورش، خوراک مناسب و مراقبت‌های بهداشتی و حقوق



● زن را شایسته زدن می‌دانند، به گفته فردوسی اگر شایسته زدن نبود نامش را «زن» از صیغه امری زدن نمی‌نهادند.

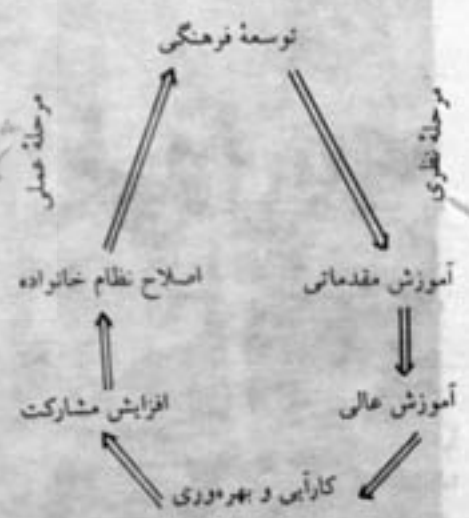
● در ایران باستان با وجود آیین میترائیسم و احترام به خورشید به عنوان خدای زنان، باز هم زن تحت ستم بوده و به صورت کالا و غرامت جنگی رد و بدل می‌شده است.

● ابعاد غیر مادی توسعه، بواسطه مشارکت زنان جامعه عمل می‌پوشد.



کارآیی و بهره‌وری آنان به عنوان منابع و سرمایه‌های انسانی خواهد شد که این بهره‌وری در حوزه‌های اشتغال، مدیریت، تولید و در عین حال در حوزه‌های تربیتی و آموزشی خانواده و جامعه پذیری کودکان و فرهنگ پایی ایشان و شکل‌گیری شخصیت افراد انسانی اعم از اخلاف زن و مرد نمایان خواهد شد. افزایش کارایی در نظام خانواده و افزایش بهره‌وری زنان در اشتغال و تولید سبب استقلال رای و اندیشه و افزایش شمول سیاسی و اجتماعی زنان شده و دامنه و تأثیر مشارکت زنان در حل مسائل سیاسی و فرهنگی جامعه کلان در سطح ملی را گسترش خواهد داد. این تأثیرات همه جانبه در توسعه ملی از سوی زنان مجدداً پتانسیل‌ها و فرآورده‌های بیشتری را در چارچوب نظام آموزشی ریخته و باز دیگر موتور حرکت چرخه دینامیک توسعه خواهد شد.

مالکیت و ساعات کار مناسباً محروم هستند. چنانکه در کشورهای در حال توسعه مرگ و میر دختران واقع در سنین ۱-۲ ساله بیشتر از پسران این دوره سنی است که با توجه به مقاومت بالای چنین دختران و فیزبولوژی آنان نسبت به پسران این تبعیض نشان دهنده اوج محرومیت دختران است. غالب کاری که توسط زنان انجام می‌شود در حسابداری ملی و سرشماری به حساب نمی‌آیند. این کار علی‌رغم ارزش مولد و اجتماعی آشکارش از آن روی نادیده گرفته می‌شود که زنان عمدتاً درگیر کشت و کار خرده‌پا، بخش غیررسمی و فعالیتهای خانگی‌اند؛ جایی که اطلاعات بسیار ناقص‌اند. از سوی دیگر کار زنان، خاصه کار خانگی‌شان بدون مزد بوده و لذا نادیده گرفته می‌شود. کارهایی از قبیل پخت و تمهید غذا، حمل آب، گردآوری سوخت، پرورش محصولات معیشتی و مراقبت از بچه در اشتغال رسمی نیز زنان بطور قابل توجهی نسبت به مردان حقوق کمتری دریافت می‌کنند. جایگاه زنان در آموزش و مشارکت و توسعه چنان در ارتباط متقابل و همه جانبه و رفت و برگشت است که بدون هر یک از آنها، روند توسعه ناموزون شده و سرانجام آن با نیازهای جامعه در حال توسعه هماهنگ نخواهد بود. تصویر این ارتباط در قالب یک نگرش سیستمی و چرخه دینامیک توسعه پایدار چنین است:



در این چرخه دینامیک توسعه، پایداری یکی از خصایص ویژه آن است، بدین معنا که عمومیت آموزش در سطوح پیش از دیپلم و پس از آن در سطح عالی در بین اقشار زنان، سبب افزایش

● در قرن ششم، امپراطوری رم به زدن و بستن فیلسوفان برخاست پس آنان به ایران گریختند ولی دیری نگذشت که پای خود بازگشتند زیرا جامعه ایرانی را چنان مبتلای زبارگی یافتند که تحمل نتوانستند بکنند.

● مستسکیو در روح القوانین می نویسد «در حکومت‌های استبدادی، زنان موجب تجمل نمی شوند بلکه خودشان یک اسباب و آلت تجمل اند.»



پس زنان انگلیسی امروز با (Man) که به معنای مرد می‌انگارند. در جامعه ایران زنان از لحاظ میزان در مقابل زن و هم به معنای انسان و نوع بشر سواد، حضور در جامعه، اشتغال، تفریحات سالم است. همین اصطلاح در زبان فارسی نیز مشهود و سیاحتی، بهداشت، اعتماد و امنیت فردی و است چنانکه آدم، هم اولین مرد و اولین بشر جنسی و حیثیت اجتماعی نسبت به مردان بسیار است و هم عنوانی عام برای همه انسانها در محرومتر بوده و در استضعاف دوگانه بسر جامعه ایران، زنان چنان در مرتبه چندم اهمیت و می‌برند. زنان در جامعه ایرانی در قالب الگوهای در پشت صحنه معرفی شده‌اند که هیچ اعتقادی سه گانه فرهنگ محروم می‌باشند. چنانکه در به درایت و عقل آنان وجود ندارد. روحیه زن احترام به ایشان و حتی وجود آیین و کیشی چون میترائیسم یا اله مهر و عطفوت و احترام به خورشید به عنوان سمبل، الهه و خدای زنان و ایقان به تقویم شمسی بر این مبنا، با اینهمه زنان تحت ستم بوده و در جنگ‌های ارضی در اسارتی مضاعف و جنسی بوده و گاه برخی از سلاطین در

زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی، نیمی از پتانسیل هرگونه حرکت، تحول، توسعه، اندیشه و رزی، کار، سیاست‌گزاری، قانونگذاری، ابداع، انقلاب، اصلاح، فرهنگ سازی و فرهنگ بانی و اجتماعی شدن را در روابط اجتماعی شدن را در روابط اجتماعی هر جامعه‌ای تشکیل می‌دهند. زنان از بدو پیدایی اجتماعات انسانی و نظورات آن تاکنون نقش مهم و دوشادوشی با مردان در ایجاد روابط و مناسبات انسانی و فرهنگی ایفا کرده و به طور غیررسمی به آموزش و پرورش انسان پرداخته و در واقع اسباب انسان مغرور از تحولات و پیروگی‌هایش بر محیط طبیعی و اجتماعی، موهون مساهل شبانه روزی زنان است. زنان به گفته یولین رید (E.Reed) محقق مردم‌شناس، اولین پایه‌گذار فرهنگ و آداب اجتماعی بوده‌اند.

در طول تاریخ پر فراز و نشیب زندگی بشر، زنان همواره انبیر سرپنجه ستمی دوگانه بوده و از آن رنج دیده‌اند. از سوی همانند مردان مورد استثمار طبقاتی فرادست جامعه قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر به وسیله شوهران و پدران خویش و با حاکمیت برخی ستم‌های نادرست و ظالمانه جوامع مورد بهره‌کشی و ستم قرار گرفته‌اند. جوامع طبقاتی و نظام‌های مبتنی بر مناسبات استثمارگرانه برده‌داری، فئودالی و سرمایه‌داری، زنان به بدترین وجه مورد ستم قرار گرفته و مورد بهره‌کشی‌های جنسی و کامجویی‌های مفرط و مستذل مردان قرار می‌گیرند.

در دنیای توسعه نیافته امروز خاصه ایران، زنان از یک «قاعده تبعیت» پیروی می‌کنند. بدینگونه که پیش از ازدواج به تبعیت از پدر، پس از ازدواج به تبعیت از شوهر و پس از مرگ شوهر (به جهت بزرگسالی مردان نسبت به همسرانشان در زمان همسرگزینی) به تبعیت از پسر ارشد پرداخته و صرفاً در چرخه‌ای بسته و دوار می‌چرخند. زنان در این جوامع صرفاً به وظایف شوهرداری و کودک پروری همت گمارده و کارکردشان صرفاً بر این اساس ارزیابی می‌گردد. چنانکه در ایران از دیرباز در بسیاری از مناطق روستایی، زنی را که توانایی تولد و فرزندزایی، نداشته باشد از جامعه و خانواده طرد کرده و همچون اجاقی کور بدو می‌نگرند و در نقشهای اجتماعی او را بازی نمی‌دهند. مردسالاری چنان گسترده است که حتی در معنانشناسی و لزگان نیز اثر نهاده و مثلاً

هزیمت دشمنان، آنان را مجبور به دادن اسرای زن و غرامتهایی چون زن و سکه و... می‌کردند. چند زنی و وجود حرمسرای زنان چنان بوده که در زمان داریوش تعداد زنان بقدری در نتیجه به زنی گرفته شدنشان توسط داریوش، اندک شده بود که از کشورهای اطراف به واردات زن می‌پرداختند. وان روزن در ۱۹۱۸ به عنوان یک سیاح سوئدی در بازدید از ایران می‌نویسد: «زنیارگی، یک ایرانی را بیش از هر چیز دیگر در زندگی سرگرم و جلب می‌کند (انصاف پور: ۱۱۳). گیبون، مورخ فرانسوی می‌نویسد: «در قرن ششم، امپراطوری رم به زدن و بستن فیلسوفان برخاست پس آنان به ایران گریختند ولی دیری نگذشت که با پای خود بازگشتند زیرا جامعه ایرانی را چنان مبتلای هرج و مرج جنسی یافتند که تحمل نتوانستند» (آریانپور، ۶۸) متکیو در روح‌القوانین می‌نویسد: «در حکومت‌های استبدادی، زنان موجب تجمل نمی‌شوند بلکه خودشان یک اسباب و آلت تجمل‌اند و برای اینکه جزء وسایل و اسباب تجمل محسوب شوند باید بی نهایت مطیع و فرمانبردار باشند. در کشورهای استبدادی هر کس از روی حکومت و اصول استبداد پیروی نموده، رسم دربار را در خانه خود معمول می‌دارد. یکی از علل اینکه حکومت ملی و دموکراسی در مشرق زمین بطرز ثابت و همیشگی برقرار نشد، همین موضوع یعنی تسلط کامل مردان بر زنان و رقبت زنان است که با روح حکومت مطلقه و استبدادی خیلی موافق است» (آریانپور، ۶۹)

### ب) بحث عملی در جایگاه زنان در آموزش، مشارکت و توسعه

آموزش و پرورش عمومی، کلیه آموزش‌های عمومی و پایه علمی و نظری را شامل می‌شود که منجر به ایجاد مهارت لازم در زمینه‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن، آشنایی مقدماتی با مبانی علوم تجربی، اقتصادی و اجتماعی، کسب اطلاعات لازم در زمینه‌های دینی و آشنایی با ادبیات فارسی و زمینه‌های هنری در حدی که هر فرد به طور عام به آن احتیاج دارد، می‌گردد (پیوست برنامه اول) هرچه نظام آموزشی در قالبی عقلایی تر و برابر

می‌دیزی شود، تفکر و اندیشه و شخصیت منابع و سرمایه‌های انسانی نیز معقول، حسابگرانه، پیشرو و برابرخواه پرورش خواهد یافت. آموزش دندگان و پرورش یافتگان این نظام، از تعصبات قومی - قبیله‌ای، تنگ نظری‌های فکری و تبعیض‌نگری‌های جنسی و فرقه‌ای و گروه‌گرایی‌ها و جانبداری‌های دیگر برحذر بوده و با اندیشه‌ای باز و بی‌گروانه افق‌های دور را نگریسته و در مسیر توسعه و پیشرفت، طول و عرض این فرایند و مسیر پر فراز و نشیب را به خوبی طی خواهند کرد.

بنا به اطلاعات موجود کشور از مجموع حدود ۵۰ میلیون نفر جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵، حدود ۶۱ درصد باسواد هستند که این میزان در بین مردان ۷۱ درصد و در بین زنان ۵۲/۱ درصد است؛ نسبتی که در همین جا نشان از محرومیت جنسی امکانات و فرصتهای آموزشی دارد؛ تصویری که به صورت منطقه‌ای، شکلی تبعیض‌آمیزتر و تفکیک شده‌تر بخود می‌گیرد. چنانکه نسبت باسوادی زنان شهری ۶۵/۲ در مقابل ۸۰/۲ درصد باسواد مرد، در مناطق روستایی به ۳۶/۳ درصد باسوادی در بین زنان تقلیل یافته و تقریباً به نصف کاهش می‌یابد. با وجود آنکه نسبت باسوادی زنان شهری از باسوادان مرد روستایی نیز بالاتر است ولی در مجموع قلت نسبت باسوادی زنان نسبت به مردان و زنان روستایی به زنان شهری، نوعی عدم توزیع برابر فرصتها را در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌های توسعه منابع انسانی برمی‌نماید. برنامه‌های یکسویه‌ای که به لحاظ نگرش سیستمی، همه اجزا و ساحت‌های موجود در یک مجموعه با سیستم را بشمار نیاورده و ره به مقصود نبرده و در فرا راه توسعه، بسیاری را از این روند متزوی و دور ساخته است. تبعات چنین محرومیت و جانبداری نه تنها سبب زوال و عدم بهره‌جویی از استعدادهای سرمایه‌های انسانی می‌گردد و این قابلیت‌ها را تعطیل می‌کند، بلکه منجر به بزور آسیب‌ها و انحرافات، ناکارایی و عدم بهره‌وری نیز می‌گردد.

بر اساس اطلاعات آماری سال ۱۳۷۰ نسبت دانش‌آموزان پسر به دختر در آموزش عمومی کل کشور بیانگر تفاوت‌های بارزی است. این نسبت در بین دانش‌آموزان دوره آموزش فنی بسیار محسوس تر و مشهودتر است.

در آموزش‌های فنی در واقع بعد کاربردی و عملکردی آموزش را شامل شده و دربرگیرنده ابعاد مشارکت‌آمیز در بخشهای اقتصادی است. نسبت بهره‌مندی دختران در واقع هیچ بوده و پسران از بیش از ۹۹ درصد فرصتهای آموزشی بهره‌مند هستند نسبت هولناکتر در دوره‌های آموزشی کشاورزی است که فقط مختص پسران می‌باشد. در چنین فضای تبعیض آمیزی زنان و دختران نه تنها در جریان تولید به حساب نمی‌آیند، بلکه حتی در قالب آموزشی نیز جایی ندارند. این سیما در بهره‌مندی زنان و مردان از فرصتهای تحصیلی دانشگاهی نیز هویداست:

### جدول توزیع دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

سال تحصیلی	جمع پسر	دختر	درصد
۶۶-۶۵	۱۶۷۹۷۱	۱۱۸۸۸۶	۲۹/۲۲
۶۷-۶۶	۲۰۲۸۶۲	۱۲۵۹۳۳	۲۷/۷۶
۶۸-۶۷	۲۵۰۷۰۹	۱۷۸۸۸۷	۲۸/۶۵
۷۰-۶۹	۳۱۲۰۷۶	۲۲۶۷۵۱	۲۷/۳۲
۷۱-۷۰	۳۲۲۰۲۵	۲۲۷۰۷۶	۲۸/۱۸

بطوریکه از جدول فوق برمی‌آید وجه غالب نسبت دانشجویی پسران به دختران بیش از ۷۰ درصد است. این وضع خاصه در سطح آموزش عالی که در واقع از مهمترین مجاری مشارکت دختران و زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، بسیار اسف بارتر است. نسبت تفصیلی ترین ارقام برحسب رشته‌های تحصیلی نیز حاکی از این امر است که رشته‌های فنی و مهندسی و کشاورزی و دامپزشکی از کمترین نسبت دانشجویی دختران برخوردار است و در واقع رشته‌های مذکور «مردانه» اند.

### جدول دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برحسب گروههای عمده

گروه‌های عمده رشته تحصیلی	مردوزن	مرد	زن	درصد زنان
جمع	۳۴۲۰۴۵	۲۲۷۰۷۶	۹۶۹۶۹	۲۸/۱۸
پزشکی	۷۷۶۶۳	۲۲۰۶۲	۳۳۵۹۹	۲۳/۲۶
علوم انسانی	۱۱۶۹۸۲	۷۹۱۸۸	۳۷۷۹۴	۳۲/۰۳
علوم پایه	۵۳۴۵۴	۳۴۶۰۲	۱۸۸۵۰	۳۵/۲۶
فنی و مهندسی	۷۱۸۳۵	۶۸۴۴۳	۳۳۹۲	۴/۷۲
کشاورزی و دامپزشکی	۱۶۵۳۰	۱۵۸۲۴	۷۰۶	۴/۲۷
هنر و معماری	۷۵۸۱	۴۹۵۳	۲۶۲۸	۳۴/۶۶

در واقع امر حدود ۵۳/۵ درصد جمعیت فعال ما بیکار جو‌بای کار خواهند بود.

با احتساب این فرمول و شاخص اصلاح شده است که می‌توان دانست که چطور نسبت بارتکنفیل نزدیک به (۱) بوده و به این معناست که بار معیشت نیمی از جمعیت پر دوش نیمی دیگر است. البته شاید ادعا شود که زنان پا وجود غیرفعال بودن در خانواده عاقلش مهمی ایفا

می‌کنند که در واقع نوعی شغل محسوب می‌گردد. ولی واقعیت اینست که زنان با قرار گرفتن در زمره جمعیت غیرفعال، هیچ نقشی در تولید ناخالص ملی (G.N.P) نداشته و انتظاری از آنان نیست. چنین بیانی حکایت از روحیه و منش زن ناپاوری داشته و بر این پیش فرض استوار است که زنان و فعالیت ایشان در جامعه و مشارکت این قشر محلی از اعراب ندارد.

زنان را تشکیل می‌دهند، جزء نیروی فعال محسوب شده ولی شاغل نمی‌باشند به معنای دیگر به لحاظ سوگیری جنسی این شاخص آماری، خبیل عظیمی از زنان تحت عنوان «غیرفعال» از زمره بیکاران خارج شده‌اند. حال اینکه اگر تعداد خانه‌داران را به تعداد کل جمعیت فعال بیفزاییم و در همین حال تعداد خانه‌داران را جزء بیکاران جو‌بای کار قرار دهیم خواهیم دید که

$$11011 + 1819 = 12830$$

(هزار نفر)

$$11170 + 12820 = 23990$$

(هزار نفر)

$$12830 - 23990 \times 100 = 53/28$$

برای سنجش میزان مشارکت زنان شاخص دیگری که می‌تواند نمایانگر نسبت واقعی این مشارکت باشد عبارتست از وضع فعالیت زنان. بنابر جدول زیر علی‌الظاهر از بین جمعیت دهساله و بیشتر نزدیک به ۶۸/۳۶ درصد مردان جزء جمعیت فعال محسوب شده‌اند ولی از بین همین جمعیت گروه سنی فقط ۸/۱۵ درصد زنان جزء فعالان بشمار آمده و باقیمانده در زمره جمعیت غیرفعال به حساب آمده‌اند. که از این تعداد با نسبت ۹۱/۸ درصد جمعیت غیرفعال زنان ۷۴/۷۷ درصد جزء زنان خانه دار به حساب آمده و به اصطلاح نقشی در فعالیت ندارند. واقعیت این است که از آنجا که جمعیت فعال کسانی را گویند که بنا به نرم (Norm) جهانی در سنین فعالیت و توان کاری پسر می‌برند، لذا می‌توان با اطمینان مدعی شد که زنان خانه‌دار که حدود ۶۸/۷ درصد کل جمعیت دهساله و بیشتر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

جمعیت دهساله و بیشتر بر حسب فعالیت  
و به تفکیک جنس (۱۳۶۵، هزار نفر)

کل کشور	۱۰ ساله و بیشتر درصد	جمعیت فعال			جمعیت غیرفعال		
		جمع	شاغل	بیکار	جمع	خانه‌دار	درصد
مردوزن	۱۰۰	۱۲۸۲۰	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۲۰۰۵۲	۱۱۱۷۰	۳۳/۹۷
مرد	۱۰۰	۱۱۵۱۲	۱۰۰۲۶	۱۲۸۶	۵۳۲۹	۱۵۹	۰/۹۴
زن	۱۰۰	۱۳۰۷	۹۷۵	۳۳۲	۱۴۷۳۵	۱۱۰۱۱	۸/۶۷

وضع شغلی	مردوزن	مرد	زن	درصد زنان
جمع	۱۱۰۳۶	۱۰۰۲۹	۹۸۷	۱۰۰
کارفرمایان	۳۲۱	۳۲۸	۱۲	۱/۲۲
کارکنان مستقل	۲۳۹۸	۲۲۱۷	۱۸۱	۱۸/۳۲
مزدگیران بخش عمومی	۳۲۵۲	۳۰۲۷	۲۰۸	۲۱/۳۲
مزدگیران بخش خصوصی	۱۸۸۲	۱۷۸۲	۱۰۰	۱۰/۱۳
کارکنان فامیلی بی مزد	۲۹۸	۲۸۳	۱۵	۲۱/۶۸
اظهار نشده	۲۶۲	۲۹۲	۷۱	۷/۱۹

حال از بین شاغلان زن نیز باید مشاهده کرد که چه نسبتی از زنان شاغل به لحاظ وضع شغلی با مردان برابری یا به عبارات صحیح تر چه نسبتی از محرومیت برخوردارند. بنا به جدول زیر از بین کل کارفرمایان فقط ۲/۱۲ درصد از زنان می باشند و تقریباً ۹۵/۸ درصد کارفرمایی از آن مردان است. این نسبت بیانگر این نکته است که زنان در میادین تصمیم گیری و برنامه ریزی و مدیریتها تقریباً هیچ نقشی ندارند. چنین تصویری باز مؤید مستثنی و باور زن نابآوری است که در همه عرصه ها خود را به نمایش می گذارد.

### پیشنهادها:

با توجه به اینکه زنان آسیب پذیرترین اقشار انسانی هستند که در اشکال مضاعفی چون جهان سوم یا مستضعف و سبناهبوست و دیگر ویژگی ها، تحت ستم و اجحاف بسر می برند، نه تنها زنان و بچه ها، بیشترین قربانیان شکستهای اقتصادی، فسخی ها، جنگها، و بحرانهای اجتماعی و سوگیری های آموزشی اند بلکه بیشترین موضوعات مورد بحث سالهای اخیر مباحث توسعه ای نیز بوده اند. حال با توجه به این امر به ارائه پیشنهادهای غام و خاص در زیر می پردازیم:

- ۱- مشارکت زنان در تعیین نوع و سمت و سوی توسعه و الگوها و برنامه های توسعه ای کشور با دستیابی بر بهداشت بهتر، درآمد بهتر، مهارتها و تکنولوژی، حق تملک بر زمین و سرمایه، برابری حقوقی و تسلط بر جسم و بدن خویش
- ۲- تقویت مراکز که در خصوص تأکید بر خود توانبخشی (Self-Powerment) زنان و تعریف اهداف توسط خودشان و مشارکت کامل در تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل گردیده است
- ۳- اصلاح داده ها و شاخصهای آماری بدون هرگونه تعصب (Bias) جنسی و گردآوری مستمر اطلاعات جسته گریخته پیرامون وضعیت و جایگاه زنان
- ۴- تعریف مجدد و بازبینی اصطلاح هایی چون جمعیت فعال و نقش زنان و خانه داره در آن و جایگاه این صنف از زنان در اصطلاح «شغل» خاصه «شغل بدون پرداخت» و پرهیز از خود

اغوايي و مغالطه های آماری جهت کوچکتر نشان دادن درصد بیکاران و یا پرهیز از شاگزیری از پرداخت و تعیین مقرری برای زنان خانه دار.

۵- توجه به ارائه تحلیلها و تحقیقات در دو بعد جنسی جهت توجه بر بازتابها و کیفیت مردانه و زنانه بودن شاخصها و نتیجه گیری ها در راستای اعمال برابری

۶- اتخاذ تدابیر پیشگیرانه جهت تخفیف و زدودن تبعیض های جنسی در فرایند خصوصی سازی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی

۷- استفاده از سازمانها و جمعیتهای غیردولتی برای توسعه سرمایه های انسانی زنان.

۸- توجه به اهمیت آموزش زنان در سطوح مقدماتی تا متوسطه و آموزشهای فنی - حرفه ای آنان جهت بهبود کارایی و جذب در بازار کار و خوداشتغالی و ارائه تدابیری برای برانگیزش زنان و دختران در راستای استمرار تحصیل.

۹- بیمه و تأمین اجتماعی زنان اعم از زنان خانه دار، مطلقه، و بیوه و دیگر.

- ۱۰- تشکیل «انجمن زنان در توسعه» (W.I.D) جهت سازماندهی و برنامه ریزی الگوها و روشهای توسعه نقش و مشارکت زنان در توسعه ملی کشور. انجمنی که به صورت چرخشی و انتخاباتی گردانده شود. این انجمن می تواند به وظایف زیر پردازد:
- ۱-۱۰- ارائه و طراحی اقتباسی و تولیدی تکنیکها، روشها و پارادایم های گردآوری تعریف، شاخص سازی و اندازه گیری اطلاعات و داده ها بدون سوگیری جنسی.
- ۱۰-۲- گردآوری نقطه نظرها و نگرشهای زنان پیرامون سیاستها و برنامه های ملی و منطقه ای و

خانوادگی جهت زدودن ابعاد تبعیض آمیز و متمگونه آنها.

۱۰-۳- گرداندن انتخاباتی و دمکراتیک انجمن جهت پرهیز از مونارشی

۱۰-۲- اعمال نظر و مشارکت در سیاستگذاریها، تصمیم گیریها، و قانونگذاریها و تربیت و کاندیداتوری زنانی در مجلس و کابینه دولت.

۱۰-۵- مستقل بودن انجمن از دولت جهت حفظ روند دمکراتیک درونی و برونی انجمن

- فهرست منابع:
- 1- Women 2000, W.I.D (Women in Development) Vol. 1, 2, 3, 1992
  - 2- HUMAN DEVELOPMENT, U.N. Report, 1990
  - ۳- مقدمه ای بر توسعه منابع انسانی در ایران، علی طایفی، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹
  - ۴- گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۰، ترجمه ع. بیرانوند، ضمیمه مجله جامعه سالم
  - ۵- ایران و ایرانی، غلامرضا انصاف پور
  - ۶- دینامیسم تاریخ، ا.ح. آریانپور
  - ۷- پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
  - ۸- سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران